

سرشناسه	شکیبا، حجت الله، ۱۳۳۸ - تصویرگر
عنوان و نام پدید آور	نقش عکس در هنر ایران/ حجت شکیبا: متن مسعود معصومی: ترجمه اسماعیل سلامی.
مشخصات نشر	تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	۲۳۲ ص.: تمام تصویر رنگی: ۲۲ × ۲۹ س م
شابک	978-964-7610-18-1
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	نقاشیهای ایرانی.
موضوع	نقاشان ایرانی.
موضوع	عکاسان -- ایران.
شناسه افزوده	معصومی، مسعود
شناسه افزوده	سلامی، اسماعیل، مترجم
رده بندی کنگره	ND۹۸۰/ش۸۵۷
رده بندی دیویی	۷۵۹/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۱-۸۹۴۳۲

نقد و بررسی عاشقانه

WWW.KALAMN

نقش عاشق و هنر پرداز

شکب

متن: مسعود معصومی
ترجمه: اسماعیل سلامی
خوشنویسی روی جلد: اسرافیل شیرچی
طراحی جلد: افشین صادقی
طراحی و صفحه بندی: محمد زمانیان
اسکن تصاویر و تفکیک رنگ: امیر شوندی
لیتوگرافی: کحالی
چاپ: ابیانه
صحافی: گوهر
ساخت قاب: ایریشمی
نوع کاغذ مصرفی: کلاسه مات ساپی (SAPPI)
چاپ اول: پاییز ۱۳۸۶
تیراژ: ۲۵۰۰
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۱۰-۱۸-۱



انتشارات خانه فرهنگ و هنر گویا

تهران - خیابان کریمخان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۱۲۹

تلفن: ۸۸۲۸۴۵۳ - ۸۸۲۱۶۶۹ - ۸۸۲۱۳۳۲۱

فکس: ۸۸۴۲۹۸۷

www.gooyabooks.com

E-mail: info@gooyabooks.com

عکاسی در ایران ، از دیرباز تاثیر و نقش به سزایی در هنر نقاشی داشته و همچنان این اثرگذاری بگونه‌های مختلف تا به امروز با عناوینی چون «فتورنالیسم»، «هایپررئالیسم» و «نئوسم» های دیگر رخ نموده است. این تحول هنری از اواخر قرن هجدهم آغاز و در قرن نوزدهم به اوج خود رسید و زمینه ، پدید آمدن تغییراتی در هنر رئالیسم را فراهم آورد.

بازسازی دوباره عکس‌ها به صورت نقاشی با دقت هرچه تمام‌تر و با قلم پردازیهای دقیق و ریز مینیاتوری؛ امکان به وجود آوردن سبک و سیاقی تازه‌ای را فراهم کرد. طراحی‌ها تصحیح شدند پرسپکتیو جای تازه‌ای را به خود اختصاص داد، آناتومی و چهره‌های افراد طبیعی‌تر ترسیم شدند، آن چنان که نقاشان توانستند با مطالعه و اغراق در به کارگیری سایه روشن‌ها و خطوط چهره‌ها، شخصیت درونی افراد را با توانایی به قلم و رنگ در آورند. (صفحه ۲۵ اثر صنیع الملک)

در همه حال عکاسان در صدد دست یافتن به رموز کلاسیک نقاشی بودند. استفاده از پرده‌های نقاشی شده مناظر در پشت سرافراد و نورپردازی و به کارگیری اشیائی مانند میز ، صندلی، گلدان، چراغ و لباس‌های فاخر کاری ابتدایی و متداول بود، تصور می رفت صنعتگر عکاس می خواهد شانه به شانه هنرمند خلاق نقاش پیش رود و اینگونه به دنبال اعتبار و احترام اجتماعی طبقه اشراف سخت در تلاش بود. هنرمند چیره دست نقاش ، قلم برکف برای ثبت دقیق موضوع از هنر نو پای عکاسی بی بهره نماند و عکس را مکمل کارخوبش کرد تا بدینوسیله افزون بر زدودن ضعف طراحی خود، بتواند هنر جدید خود را به میدان موج نو و روشنفکری که در ایران در حال شکل گرفتن بود برساند و از فضای دو بعدی نقاشیهای دوره فتحعلی شاهی فاصله بگیرد.

نقاش پر تجربه و کار آموزده پس از طرح مدادی و قرار دادن زمینه ای کم رنگ ، محو و لطیف با آبرنگ نقطه‌های ریز و پرنرنگ‌تر را با قلمی ریز از جنس موی گربه - آغشته به جوهرهای رنگی که خود از گیاهان و سنگ‌ها تهیه کرده، بر کاغذ سفید کتان دست ساز می‌نشاند. تا جایی که دیگر نمی‌توان نقطه‌ای بر اثر پایان یافته افزود. گویی جان مایه خویش را با عشق بر کاغذ نشانده، چه زیبا و چه استادانه. سالها و قرن‌ها می‌گذرد. آنچه که از نقاشی عرضه شده ساعت می‌گردد، سحر و جادوی انرژی بخشی است که در لحظات خلق اثر از جان و دل هنرمند مایه گرفته بود و این زمان بر دل می‌نشیند. باشد که هنرجوی جوان از ره برسد و با دیدن نقش عشق آویخته بر دیوار تولدی دوباره را رقم زند و هنرمندی دیگر، نام ایران و ایرانی را به زنجیره گنجینه تمدن و فرهنگ هنر جهان متصل سازد. ابوالحسن غفاری، ملقب به صنیع الملک پدر نقاشی نوین ایران شاخص ترین هنرمندی است که نگارگری عکس را آغاز کرد ، وی در این زمینه بسی پژوهش کرد و تجربه آموخت که هم‌اکنون آثار جاودانه و به نمایش در آمده اش در موزه‌های بزرگ دنیا، نتیجه این تلاشها است. از جمله نقاشی آبرنگی که از روی عکس ناصرالدین شاه قاجار کشیده (صفحه ۲۶) این اثر در موزه لوور پاریس چشم هنردوستان را به خود خیره می‌کند. اعتبار و ارزشی که موزه‌هایی چون موزه لوور ، موزه لندن موزه‌های رم و فلورانس، کاخ گلستان و ایران باستان در ایران به آثار هنرمندانی چون صنیع الملک قائل هستند ، ما را برآن داشت تا مقدمه کتاب را با ادای دینی که نسبت به این استادان پیش کسوت داریم شروع و تأثیر هنر آنان را به جامه هنری ایران به شکل تازه تری معرفی نماییم.

پس از صنیع الملک غفاری، نقاشان دیگری چون محمود خان صبا و علی ولد محمود خان و محمد غفاری (کمال الملک) پیشتازانی هستند که از عکس بهره‌ها بردند و همچنان آثار ایشان از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است. در این مجموعه اشاراتی گذرا به آثار این هنرمندان بزرگ ایران شده است. تأثیر گذاری و راه هموار و پرفروغشان بر دیگر نقاشان معاصر ایران بسی مشهود است. نقش شاگردان کمال الملک در تاریخ هنر ایران یقیناً در زوند هنر معاصر بی تأثیر نبوده است. علی محمد حیدریان، صدرالدین شایسته، علی رخساز، حسین شیخ، آشتیانی، و ده‌ها تن دیگر هنرمندانی هستند که نامشان در تاریخ هنر ایران ثبت شده است. نقش شکبیا به عنوان هنرمند معاصر ایران نقشی است متفاوت و شاخص. نیم قرن نقاشی اوست که نیم نگاهی به هنرمندان و تاریخ گذشته ایران دارد. استاد صنیع الملک را می‌ستاید و الهام بخش قسمتی از کار خود می‌داند، وی که کودکی خود را در عکاسخانه‌ای در شهر گرگان نزد پدر خویش - میرزا محمود عکاس و نقاش - گذراند و از طریق رنگ کردن عکسها و روتوش نگاتیوها به رموز اولیه نقاشی پی برد. در نوجوانی عازم تهران شد و دوره هنرستان را با استادانی چون مقیمی تبریزی، غلامحسین نامی و دیگران به پایان برد. سپس از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. تحقیق و بررسی و شناخت گوناگون نقاشی انگیزه‌ای شد تا او به اصل و ریشه خویش بیندیشد و اینگونه بود که نخستین نقاشی او از یک اسکناس یک تومانی بود (صفحه ۶۰). دقت در اجرا و رنگهای پخته و سایه روشن‌های دقیق تر از عکس، وی را در ردیف نقاشان «هایپررئالیسم» درآورد و با به نمایش گذاشتن آثار خود در گالری سیحون در سال ۱۳۵۶ به عنوان یک هنرمند صاحب سبک در جامعه هنری ایران معرفی شد. دست اندرکاران وی را به عنوان «هایپررئالیستی» توانا معرفی کردند و آثارش مورد تایید منتقدان و اساتید هنر قرار گرفت و در موزه‌ها و کلکسیون‌های هنردوستان ایران و خارج از کشور قرار گرفت.

مجموعه پیش رو، آثار دوره عکس‌نگاری شکبیا را که از سالها پیش آغاز شده بود همراه با تجربه‌های جدیدش نحوه تأثیرپذیری هنر وی را از عکسهایی که اغلب برگرفته از مجموعه شخصی کتابخانه ایشان است مشاهده می‌کنند و شاهد آن هستید که تجسم و تخیل چگونه به آهستگی بر عکسهای بی‌رنگ و روح‌چیره می‌شود و به فضایی رمانتیک راه می‌یابد. زنان فربه قاجاری زیبا و خوش اندام می‌شوند، موضوع به خیال راه می‌یابد و عکسهای قهوه‌ای و خاکستری مرده، رنگین می‌شوند و جانی تازه می‌گیرند. از لابلای میان ترگهای زمان می‌گذریم، از پس دیوار تاریخ به مکانی گام می‌نهیم که جای پای پدران و مادرانمان بر آن نقش بسته است. بی‌وزنی و شفافیت اندام نوازندگان در کنار حوضها و شمعدانی‌ها رویایی پیش روی ما می‌گسترده که گویی خواب خوش خویش را در بیداری در تابلوی نقاشی شده استاد شکبیا نظاره گریم.

امروز می‌بینیم و شاهد آن هستیم که هنرمند با تجسم و تخیل خود چگونه از عکس گذشته و به فضای رمانتیک و پر از احساس دست یافته، اندکی بعد، بعد زمان در آثار وی به فراموشی سپرده شده و حضور افراد به صورت رویا جلوه‌گری می‌کنند. در پایان او دیگر یک فتورئالیست نیست بلکه هنرمندی است ذهن‌گرا که در آغاز از عکس بهره‌ها برد. و در میانه کارزار نقاشی تصویر چایی را به فراموشی سپرد، اما روح خویش را در نگاتیوها دمید و تولدی هنرمندانه را نوید داد، هنرمندی خلاق که تجسم وی او را از لایه‌های تاریخ و هنر گذشتگان و سیاست روز عبور داد و سرانجام در برکه‌ای اسکان داد که گل‌های نیلوفر آبی و آسمان نیلگون پیام پاکی، سرود آزادی و عشق را هم صدا سر می‌دهند.